علل سیاسی درگیری ۴ بهمن

درمقر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کارگران ، توده های انقلابی!

روزجمعه۴بهمن ماه۶۴درگیری مسلحانه ای درمقرسازمان چریکهای فدائی خلق ایران و مابین دوبخش ازسازمان اتفاق افتادکه طی آن ۵ تن جان باختندوعده ای دیگرنیززخمی گردیدند. درگیری سرانجام بادخالت اتحادیهٔ میهنی کردستان عراق پایان پذیرفت.

پس ازدرگیری طرفین متوالیا اطلاعیه هائی درمحکوم کردن یکدیگروتوضیح "دلایل"چنین رویدادی و روندشکل گیری تضادهای "تشکیلاتی"ای که منجربه این واقعه گردیدو... انتشاردادندوهریك سعی درمحق جلوه دادن خودنمودند. یك جناح طرف مقابل را"مدافع اپورتونیسم تشکیلاتی"و"طرفدارمختاریت درمقابل مرکزیت" "افرادسابق اکثریت"،"طرفدارشورای ملی مقاومت"نامیدوآنرامتهم به"ارتباط با حزب دمکرات"،"ارتباط ناسالم باجریان رفرمیست"و... نمودودیگری متقابلاطرف خودرابه داشتن "سیاست های انحلال طلبانهٔ پاسیویستی"،"طفره روی ازبرگسداری کنگره"،"حفظ موقعیت خود"و... متهم نمود. بیك کلام هریك آن دیگری رابورژوازی و یاعوامل بورژوازی و خودراپرولتاریانامید. قابل توجه آنکه هیچیك ازطرفین دلیل بورژوازی بودن طرف مقابل وپرولتاریابودن خودرابربسترآشکارساختن خطوط سیاسی - ایدئولوژیك (ونه فقط نقض اصول سانترالیسم دمکراتیك) می توانندمدعی همه جانبه ای یابد، روشن نساخته، دربارهٔ آن سکوت اختیارکرده وازپرداختن به آن طفره رفته اند.

دراطلاعیه های متعددطرفین به"اختلافات حاددرونی"اشاره شده ولی کوچکترین اثری ازاین مسئله که این "اختلافات حاددرونی"بربسترکدامین خط مشی سیاسی - ایدئولوژیك شکل گرفته، تکامل یافته وحادگشته اند، به چشم نمی خورد. تنها در اطلاعیه هیئت تحریریه نشریهٔ "جهان"اشاراتی کوتاه ومبهم به این مسئله شده و آن هم به وعده و وعیدهائی مانندانیکه "تاآنجاکه به رعایت اصول وپرنسیپ های تشکیلاتی لطمه ای واردنسازد، به اطلاع عموم می رسانیم"و یا"چندجزوهٔ مبارزهٔ ایدئولوژیك درونی بموقع دراختیارکلیهٔ اعضاء و سایررفقای واجدشرایط قرارخواهد گرفت"بسنده کرده است(امری که دراکثرانشعابات سازمان چریکهابه آینده واگذارشده وهیچگاه ریشه های سیاسی - ایدئولوژیك انشعابات خودرابه جنبش ارائه نداده وحداکثربانتشارجزوه ای درارتباط بامرحلهٔ انقلاب یابرخوردبه حاکمیت، ریشه یابی جدی اختلافات وانشعابات طفره رفته اند).

این واقعه بربستریك شرایط تاریخی معین وتضادهائی که دردرون وبیرون سازمان چریکهاومجموعهٔ جنبش موجودهست شکل گرفت وصف بندی معینی نیزپیرامون این واقعه بوجودآمد. صف بندی ای تحت پوشش اینکه چه کسی اول"دمکراسی"رانقض کرد و یا"تیراول راشلیك نمود"درعمل و اساسا به پشتیبانی ازجناحی که تحت نام شورایعالی سازمان اطلاعیه صادرنموده بودبرخاستند. نیروهای سیاسی ای که به

www.iran-archive.com

تحقیق یا اعلام موضع پرداختند از حد مطالب مندرجه در اطلاعیه های طرفین فراتر نرفته و آنها نیز آگاهانه یا ناآگاهانه بر روی دلایل سیاسی و شرایطی که موجب چنین واقعه ای گردید سرپوش گذاشتند.

وظیفهٔ پرولتاریای آگاه اینست که مضمون واقعی و دلایل سیاسی چنین درگیری‌ای را که بر بستر یک شرایط مشخص جهانی و منطقه و جامعه شکل می گیرد را روشن کرده و پرده ـ های ابهامی که توسط دیگر طبقات و احزاب بر اینگونه وقایع کشانده می شود را بکناری زده و آن چیزی را که در واقع و در زیر می گذرد آشکار ساخته و صف بندی های رسمی یا غیر رسمی، علنی یا نیمه علنی را که حول این واقعه شکل گرفت و عمل کرد را افشاء نماید.

امروزه بحرانی سخت تمامی جهان امپریالیسم را در خود فرو برده است. بحرانی عمیق که تمام حلقه های این سیستم را متزلزل و شکننده نموده و در مقیاسی جهانی و به صورتی ناگزیر اثرات مشخص خود را بر روی طبقات گوناگون می گذارد. حدت یابی بحران سیاسی ـ ایدئولوژیک و تشکیلاتی احزاب و گروه های سیاسی ریشه در جهان مادی و اوضاع شدیدا حاد و متحول بین المللی دارد.

بورژوازی و بلوک بندی های امپریالیستی غرب بر هبری آمریکا و شرق بر هبری شوروی تنها راه حل برون رفت از این بحران را در یک جنگ جهانگیر امپریالیستی برای تقسیم مجدد جهان می بینند. این روند انعکاس خود در ادر صف بندی های طبقاتی نشان می دهد و امروز قطب بندی های سیاسی ـ ایدئولوژیک و نظامی ای که در حال شکل گیری اند متأثر از این روند عمده در سطح جهان می باشند. در نتیجه تمام نیروهای بینابینی و سانتریستی که کوچکترین ضعف و تزلزل سیاسی ـ ایدئولوژیکی ای طبقاتی در بر خورد به این دو بلوک بندی داشته باشند، مجبور به سمتگیری و صف بندی با یکی از این دو بلوکند. این نیروها بی اعتماد نسبت به قدرت و توانائی پرولتاریا و زبون و حیرت زده در برابر "قدرقدرتی" امپریالیستها و وحشت زده از تصادمات عظیم و خطراتی که مقابل روی خود می ـ بینند، چارهٔ "رهائی" را در سمت گیری با یکی از دو بلوک دیده و نیروهای طبقاتی که بهر عنوان جهتگیری نهائی خود را معین کرده اند، نیز در سمت و سو دادن و پرتاب نمودن این نیروها به گرداب امپریالیستها فعالانه عمل می کنند. این روند آنجائی می تواند بضد خود بدل شود که نیروهای پرولتری در سطح جهان بتوانند بمثابه نیروی مادی قدرتمندی و با برنامهٔ انقلابی و کمونیستی حضور خود را نشان داده و با برپائی جنگ انقلابی جلوی جنگ امپریالیستی را گرفته و یا در صورت درگیر شدن جنگ جهانی، آنرا تبدیل به جنگ برای سرنگونی ارتجاع جهانی نمایند.

طیف فدائی که سنتاً بر روی بلوک بندی شرق بر هبری سوسیال امپریالیسم شوروی، ضعف و تزلزل داشته و سانتریستی برخورد می کردند، امروزه با شدت یابی روند پیش گفته نمیتوانند همانند گذشته ادامه دهند. نمیتوانند شوروی امپریالیستی را هم "اردوگاه سوسیالیسم" بخوانند و هم به "سیاست های رویزیونیستی" آن انتقاد کنند و امروزه ناگزیرند که بوضوح جایگاه خود را در رابطه با این بلوک بندی روشن نمایند. این آن چیزی است که اوضاع حاد جهانی از این نیروها طلب کرده و این، آن فشارها و تضادهائی است که اینگونه گروه ها را شکل می دهد، و نه صرفاً "نقض اصول سانترالیسم دمکراتیک". حال میخواهد خودشان بدان آگاه باشند و یا نباشند، تفاوت چندانی در ماهیت قضیه ندارد.

در ارتباط با چنین مسئله ایست که هر دو طرف از آشکار ساختن جنبه های سیاسی ـ ایدئولوژیک "اختلافات حاد درونی" واهمه دارند.

در لابلای انبوهی اعلامیه و اطلاعیه که بر روی چنین مسئله ای نوشته شده، تنها در نشریه

"جهان" به نقطه نظرات زیر برخورد میکنیم: "... اعلام ضد انقلابی بودن حزب توده و اکثریت و مبارزهٔ پیگیر با این دشمنان دیرین طبقهٔ کارگر و ستون پنجم بورژوازی در صفوف طبقه کارگر، افشای رویزیونیسم جهانی بویژه رویزیونیسم حاکم بر حزب کمونیست شوروی، مبارزه با جریانهای بورژوا - ملهمی همچون سازمان مجاهدین، افشای بیرحمانهٔ سیاستهای حزب دمکرات و بازتاب صریح این مواضع در "کار" ارگان سراسری سازمان و نشریات دیگر وابسته به سازمان چیزی نبود که عناصر فرصت طلبی چون مصطفی مدنی را، که در سازمان جا خوش کرده بودند، آشفته نکند" (بنقل از اطلاعیهٔ هیئت تحریریه "جهان" در مورد حمله مسلحانه به مقر رادیو صدای فدائی). خواننده سطور بالا بی اختیار با این پرسش روبرو می شود که اگر اصل مسئله در اینجا نهفته است (که هست) چرا به این مقوله های سیاسی پرداخته نمی شود؟ چرا از همه چیز صحبت میشود، اسامی افراد و حتی خصوصیات اخلاقی آنان افشا میشود ولی درباره این مسائل مهم سیاسی سخنی بزبان رانده نمیشود؟ چه هراسی دارید که مضمون سیاسی رابطه با آن جریان رفرمیست "و یا دیگر جریانات را افشا کنید؟ و چرا چنین عناصر فرصت طلبی که سابقه تاریخی شان روشن است میتوانند در این سازمان تا سطح هیئت سیاسی اش "جاخوش" کنند؟ آیا بغیر از این است که هر دو جناح از پیش بر دیک مبارزهٔ سیاسی نظری بر حول چنین مسئله ای ناتوانند؟ بنظر ما نه! واقعیت اینست، کسی که خود دارای ضعف و تزلزل در مقابل امپریالیسم و در این مورد مشخص سوسیال امپریالیسم باشد، نمیتواند دیگری را بر سر این مسئله بچسبد. مضافا، اینکه هر دو جناح اختلافات درونی خود را به چنین شیوه ای "حل" میکنند ناشی از ضعفها و تزلزلات رویزیونیستی این سازمان است که باتوسل به اعمال فشار و شیوه های غیر دمکراتیک ناتوانی خود را در برخورد سیاسی و مبارزهٔ نظری در یک چنین دوره بحرانی به نمایش میگذارد.

صف بندی معینی در برخورد به این واقعه و در دفاع از شورا ایعالی سازمان شکل گرفت. حال اینکه جریانی با شم طبقاتی خود بر کشیده باشد و یا دیگری برای منافع کوته بینانه و محدود گروهی عمل کرده باشد، و آن دیگری با ناسیونالیسم تنگ نظرانه و پراگماتیستی اش نظر داده باشد، همه و همه با پرده افکنی بروی واقعیات سیاسی، بچشم کارگران و توده های انقلابی در مورد این واقعه خاک می پاشند.

ما چنین شیوه هائی را برای حل اختلافات درونی محکوم میدانیم و از اینکه افرادی در این درگیری جان باختند شدیدا "متأسفیم و تا آنجائیکه گروههای سیاسی مانع گسترش این درگیری و ادامهٔ آن شدند، بنظر ما درست است ولی بهیچوجه دخالت در امور داخلی و جلوگیری از فعالیت سیاسی را صحیح ندانسته و آنرا عملی غیر دمکراتیک می دانیم.

برنیروهای انقلابیست که در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تمامی مرتجعین و امپریالیستها در مقابل بروز چنین حوادثی با تجزیه و تحلیل از علل سیاسی و ایدئولوژیک آن راه را برای ایجاد صف بندی انقلابی و پرولتری هموار نموده و اجازه ندهند توده های انقلابی قربانی سیاستهای بورژوائی گردند.

اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) - کمیتهٔ کردستان
۱۲ اسفند ۱۳۶۴